

اسناد معماری ایران

دوم

کتابچہ املاک اینجومی فارس

(سده، ششم ہجری)

تصحیح:

ایرج افشار

عمادالدین شیخ الحکامی

۶

فهرست (دفتر دوم)

مقدمه	ص ۷
کتابچهٔ املاک اینجوی فارس	ص ۱۳
نمایه‌ها	
آیات	ص ۱۰۵
احادیث	ص ۱۰۷
کسان	ص ۱۰۹
جای‌ها	ص ۱۱۷
نام جای‌های مبهم در حروف نخست	ص ۱۳۵
نمایه نوع جای‌ها	ص ۱۳۷
واژگان معماری	ص ۱۴۷
احداث و بازسازی آثار معماری	ص ۱۵۷
ابنیهٔ موقوف علیها	ص ۱۵۹
مشاغل و مناصب	ص ۱۶۱
عناوین و القاب	ص ۱۶۳
سالهای متن	ص ۱۷۵
ایام و مواقع	ص ۱۷۷
جملات دعایی	ص ۱۷۹

کتابنامه ص ۱۸۳
نمونه تصاویر نسخه خطی ص ۱۸۵

مقدمه

از مرحوم حسین رهنما که از خویشان سببی خاندان قریب گرکانی بود، مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی باقی مانده بود که بنا بر معرفی آقای دکتر اصغر مهدوی و این بنده (ا.ا.) در سال ۱۳۷۵، کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی در قم آن‌ها را از ورثه خریداری کرد. مرحوم رهنما زمانی که به کتاب‌فروشی اشتغال داشت، بخشی از کتابها را در فارس گرد آورده بود.

میان آثار خریداری‌شده، نسخه‌ای ناقص به خط سست و مغلوط و غیرمعتد از حیث ضبط دیده شد که بر صفحه نخست آن عنوان وقف‌نامه مدرسه هاشمی نوشته شده بود، اما موضوع کتاب، املاک اینجو و موقوفات این خاندان در فارس بود. این نسخه اکنون به شماره ۹۲۲۰ در آن کتابخانه محفوظ است.

پیش از هر توضیحی، لازم به یادآوری و تاکید است که این رساله چون رونوشتی ناقص و غیر مصدق از سندی کهن است، از لحاظ حقوقی طبعاً نمی‌تواند در شمار وقف‌نامه‌های معتبر و مسجل قرار گیرد و صرفاً به عنوان متنی قدیمی که منبعی برای مطالعات تاریخی، جغرافیای تاریخی، معماری و ... محسوب، و به انتشار آن مبادرت می‌شود.

نسخه‌شناسی اثر

این نسخه به قطع کوچک (اندازه: ۲۰ × ۱۲) و دارای ۱۲۰ ورق است. از ابتدا و انتها افتادگی دارد. زبان نسخه عربی است و به خط نستعلیق غیر حرفه‌ای نوشته شده است. کاتب در نقطه‌گذاری امساک کرده و از این رو قرائت متن و به‌ویژه خواندن نام‌های را با مشکل روبه‌رو کرده است. علاوه بر آن، شکل خاص نگارش برخی حروف که در چند شکل مشترک است، ابهام بیشتری در قرائت به وجود می‌آورد مانند: «بی» و «هی» یا کشیدگی‌های بین برخی حروف که هم می‌تواند تنها یک کشیدگی باشد و هم «س» و «ش» خوانده شود.

در تمام متن به جای ویرگول امروزی از علامتی شبیه نقطه در بالای کلمات استفاده شده که از حیث پیشینه علامت‌گذاری دارای اهمیت است. اما همین علامت، گاه باعث خلط با نقطه می‌شود.

روش رکابه‌نویسی این نسخه، تکرار کلمه آخر صفحه در ابتدای صفحه بعد است. در متن چاپی، علامت شماره صفحه پیش از کلمه اول هر صفحه آورده شده است.

این نسخه متضمن دو بخش است:

۱. سواد از صورت املاک اینجویی و وقفی، مربوط به نیمه جمادی الاول ۷۲۷ق با تاریخ کتابت ذی‌حجه ۹۶۰ به خط ابوتراب محمدبن محمود حسنی حسینی طباطبایی اینجویی. این متن از آغاز افتادگی دارد.

۲. سواد سند با تاریخ ۷۲۷ق با سواد تسجیلات مورخ ۷۷۲ق، به خط همان ابوتراب محمدبن محمود. این بخش نسخه از پایان افتادگی دارد.

میرزا حسن فسایی نخستین کسی است که در *فارسنامه* از این اثر نام برده و در معرفی خاندان انجوی شیراز از آن استفاده کرده است. وی این اثر را *کتاب وقف‌نامه املاک موقوفه سادات انجوی شیراز* نام برده است. (*فارسنامه ناصری*، جلد ۲، ص ۹۴۸). نظر به ارزش این پیشینه، نوشته و توضیح او عیناً آورده شده است.

« و از اشراف این محله است سلسله سادات انجوی. و انجوی کسی را گویند که مباشر و عامل املاک انجو، یعنی خالصه دیوانی باشد. جدّ اعلاّی آنها که از مکه معظمه به شیراز آمده است، طرّه ناصیه سیادت و غرّه جبهه سعادت، ابوقتاده زید اسود بن ابراهیم بن محمد بن قاسم بن ابراهیم طباطبا ابن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن مثنی ابن امام السّر و العنّ، ابی محمد الحسن بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب؛ علیهم السّلام. و اولاد ابراهیم بن طباطبا را سادات طباطبایی گویند و در کتاب وقفنامه املاک موقوفه سادات انجوی شیراز نوشته است:

سالی که شاهنشاه فناخسرو امیر عضدالدوله دیلمی، برای ادای حُجه الاسلام، وارد مکه معظمه گردید، ابوقتاده، معروف به زید اسود را ملاقات فرمود و در برابر آن بزرگوار ایستاد و خدمت نمود. بعد از زمانی در میان محاورت، زید اسود چنین فرمود که در فلان شب جدّ ممجد خود، حضرت رسالت پناهی (ص) را در خواب دیدم که زنی را به فلان نشانه به من تزویج فرمود. و چون شاهنشاه عضدالدوله آن نشانه را شنید، دانست که آن نشانه در خواهر خود اوست. و از غرائب آن که خواهر عضدالدوله، قبل از این سفر حج در خواب دیده بود که حضرت رسول (ص) او را در ازدواج سیدی به فلان نشانه درآورد، و این خواب را به تفصیل خدمت عضدالدوله گفته بودند و عضدالدوله آن نشانه ها را در زید بدید و فوراً فاطمه خاتون، خواهر [خود] را در عقد ازدواج زید در آورد، او را به مصاحبت خود در سال ۳۵۲ از مکه معظمه به شیراز آورد و فاطمه خاتون بقعه وسیعی و گنبد رفیعی بر قبر امامزاده علی بن حمزه بن امام موسی کاظم (ع) بنا نمود و بعد از مدتی وفات یافت.

پس، عضدالدوله دختر خود، «شاهان دخت» را در ازدواج زید اسود در آورد و املاکی چند در مملکت فارس وقف نمود و تولیت آنها را به اولاد ذکور زید، نسل بعد نسل وا گذاشت و املاک این سادات طباطبایی در مملکت فارس بسیار گردید.

و هم در آن کتاب نوشته است که بعد از استیلای سلاطین مغول در فارس، تمام املاک اولاد زید اسود طباطبایی را تصرف نمودند و آن املاک را «انجو» گفتند

یعنی خالصه دیوان. پس سلطان العارفین، قطب المحققین، سیدابوالمیان حسن طباطبایی حسنی برای استرداد املاک خود و عشیره خود، از شیراز به درگاه سلطان سلاطین زمان، اباقاخان^۱ برفت و کمال احترام را از پادشاه بدید و یرلیغ خانی برای ترخانی او صادر گردید و مدتی بماند و کاری از پیشش نرفت. پس در حضور امنای دولت خانی و اهالی شرع نبوی نیمه آن املاک را به وجه شرعی در سال ۶۷۹ ق منتقل نمود به شاهزاده آزاده، ارغون خان. و نیمه دیگر آن را بعد از حقوق طایفه خود به ولد ارجمند خود سید قطب الدین منتقل فرمود.

و چون اباقاخان تخت سلطنت را بدرود نمود و پادشاهی به سلطان اعظم، احمدخان^۱ قرار گرفت، سیدابوالمیان حسن در ملازمت شاهزاده ارغون خان^۲ در خراسان بماند و قدرت عود به شیراز را نداشت. باز تمامی املاک سادات طباطبایی شیراز را «انجو»، یعنی خالصه شاهی نمودند؛ تا آن که سلطنت بر شاهزاده ارغون خان قرار گرفت و در سال ۶۸۶ یرلیغ شاهی صادر گردید که نصف آن املاک انجو باشد و نیمه دیگر را به سید قطب الدین احمد طباطبایی واگذارند.

و از زمانی که سیدابوالمیان حسن برای استخلاص املاک خود به درگاه اباقاخان و ارغون خان رفت تا مراجعت به شیراز، نزدیک به هفده سال رسید و چون خبر وفات سیدابوالمیان به حضرت ارغون خان رسید، حکم به صدور یرلیغ فرمود که نیمه املاک سادات طباطبایی شیراز را به ملکیت در تصرف سید قطب الدین احمد واگذارند و نیمه دیگر را که سیدابوالمیان حسن به حضرت شاهنشاه ارغون خان بخشیده بود، به عنوان «انجو» به تصرف سید قطب الدین احمد دهند. و از آن زمان اولاد و احفاد سید قطب الدین احمد را انجوی گفتند».

در باره املاک اینجو در کتابهای کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، تألیف ا. پاولویچ پطروشفسکی (ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۷) و مالک و زارع تألیف آن لمبتون (ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲) مأخوذ از متون کهن استنتاجات مفید مندرج است.

آقای دکتر محمدحسین منظورالاجداد هم

اینجو و وقف خاص در دوران ایلخانان، نمونه فارس» (وقف، میراث جاویدان، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، ۱۳۷۴، ص ۶۸-۷۳) بدان موضوع پرداخته است. در پایان لازم است از فاضل مکرّم، آقای دکتر محمود مرعشی که لطف کرده عکس نسخه را چند روز پس از خریداری و تملک نسخه التفات کردند تشکر کند. همچنین باید از شادروان دکتر اصغر مهدوی یاد کرد که پس از استخراج اولیه متن سند یک بار به مدد ایشان بازنگری شد. فاضل گرامی آقای محمود نظری نیز اشعار متن را با دواوین متنبی و ارجانی تطبیق داده و اصلاح کرده‌اند. از ایشان نیز سپاسگزاریم.

ایرج افشار

عمادالدین شیخ الحکمایی

دی ماه ۱۳۸۸

اختصارات

شمارهٔ سطر در اصل سند	۱۲۳ /
هر سه نقطه یک کلمه خوانده نشده.	...
کلمه یا کلمات جاافتاده توسط کاتب که قابل حدس زدن نیست.	[...]
یک کلمه از بین رفته.	xxx
از بین رفته به قبل یا بعد که تعداد کلمات بیش از سه کلمه باشد	← xxx →
(مثلاً تا انتهای سطر).	
جاافتاده در نسخه و یا از بین رفته قابل حدس و افزوده مصحح.	[]
ناخوانا در عکس یا کپی اما شاید در اصل خوانده شود.	...
یک کلمه نانوشته مانده در متن اصلی.	—
پوشیده شده به وسیلهٔ کاغذ یا پاک شده که ممکن است با امکانات	---
نوین خوانده شود.	
برای آیات قرآن کریم.	﴿ 》
در عبارات عربی برای احادیث.	« 》
جملات معترضه وسط جمله؛ این جملات در آخر جمله، میان «؛» و	- -
«.» می آید.	
در انتهای اسامی به معنی مشهور به (در نمایه‌ها).	:
سیاق.	:[س]
خط بالای کلمات نشانهٔ کلمات ممتازنویسی شده‌اند که به خاطر احترام	کلمه
خارج از متن نوشته شده‌اند.	
هجری قمری.	ق
علامت سؤال میان دو هلال، تردید در قرائت کلمه را نشان	(?)
می‌دهد.	
افزودهٔ مصحح برای توضیح و درک بهتر متن.	[()]
افزوده بر اساس نسخهٔ بدل.	[/ /]

متن مصحح

کتابچهٔ املاک اینجوی فارس

١/ [بسم الله الرَّحمن الرَّحيم]

→ ... اللَّيْثُ الْغَالِبُ ذُو الْكِفْلِ أَبُو طَالِبٍ،

نَفُوسِنَا لِمَحَلِّ الْمَجْدِ عَاسِفَةٌ

و لو سلت لأسلناها على الأسل

فالتَّوْمُ لَيْسَ لَهُ مَأْوَى سِوَى الْمَقْلِ

لَا يَنْزِلُ الْمَجْدُ إِلَّا فِي مَنَازِلِنَا

أَسْنَهُمَا وَ أَوْرَعَهُمَا وَ أَقْدَمَهُمَا الْمَوْلَى الْمَرْضَى، الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ، نَقِيبُ النَّقَبَاءِ الْأَعْدَلُ
الْأَعْلَمُ الْأَحْسَبُ الْأَنْسَبُ الْأَفْضَلُ الْأَكْمَلُ الْأَوْرَعُ الْأَكْشَفُ الْأَتَقَى السَّمِيدُ، صِنُودُ دُوْحَةِ
الرَّسُولِ، قِنُودُ شَجَرَةِ الْبَتُولِ، أَكْرَمُ بَنِي الزَّمَانِ، وَالِي الْمَكَارِمِ وَ الْإِحْسَانِ، عَالِي الْمَنَاقِبِ، سَامِي
الْمَنَاصِبِ، قَدُودُ صَنَادِيدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، ذُو الْبَاعِ الْأَطُولِ مِنْ عَالَمِ الْقَدَمِ فِي تَرْقَى مَعَارِجِ
الْفَيْضِ الْأَتَمِّ وَ النُّورِ الْأَبْسَطِ الْأَقْدَمِ، سَبْطُ ٢/ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ،
كَاشِفُ أَسْرَارِ الْيَقِينِ، كَرِيمُ الْحُسَيْنِ، ذُو النَّسَبِينَ، فَخْرُ الْمَلَّةِ وَ الْحَقِّ وَ الدِّينِ، قُطْبُ الْإِسْلَامِ
وَ الْمُسْلِمِينَ، ذَخْرُ الْمُلُوكِ وَ السَّلَاطِينِ، نَاصِبُ رَايَاتِ الْمَجْدِ وَ الْعَالِي، زُبْدَةُ نَتَائِجِ الْأَيَّامِ وَ
اللَّيَالِي، الْمَعْتَلَى إِلَى ذُرُودِ النَّقَابَةِ وَ الصَّدَارَةِ، الْمَرْتَقَى إِلَى فَلَكَ الْجَلَالَةِ وَ الْوِزَارَةِ، الْكَرِيمُ ابْنُ
الْكَرِيمِ ابْنِ الْكَرِيمِ، أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ، وَ هُوَ الَّذِي إِنْ تَقَلَّ إِلَيْهِ الثَّلَاثُ مِنَ الْأَمْلَاقِ الْإِيْنِجَوِيَّةِ،
وَ عَوَّضَ عَنْ ذَلِكَ الثَّلَاثُ بِالْمَوَاضِعِ الْمَفْصَّلَةِ، مِنْهَا فِي يَرْلِيغِ السَّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْأَعْدَلِ الْأَعْلَمِ
الْأَفْخَمِ، سُلْطَانِ سُلْطَانِ الْإِسْلَامِ، رَافِعِ مَعَالِمِ الْمَلِكِ وَ الدِّينِ، الْمَغْفُورِ السَّعِيدِ، رُكْنِ الدُّنْيَا وَ
الدِّينِ غَازَانَ خَانَ بَنِ السَّلْطَانِ ٣/ الْأَعْظَمِ الْأَعْدَلِ، الْقَائِنِ الْأَعْلَى السَّعِيدِ أَرْغُونَ خَانَ - أُنَارَ اللَّهِ
بِرَهَانِهِمَا - مَتَأَيِّدًا ذَلِكَ الْإِنْتِقَالَ بِحُكْمِ السَّلْطَانِ الْأَعْظَمِ، سُلْطَانِ سُلْطَانِ الْإِسْلَامِ، السَّعِيدِ
الْمَذْكُورِ - أُنَارَ اللَّهِ بِرَهَانِهِ - الْمَشَارِكِ شَرْعًا بِالثَّلَاثِينَ بَعْدَ إِقْرَارِهِ - أُنَارَ اللَّهِ بِرَهَانِهِ - بِأَنَّهُ -